

تحليل هفته

شماره: 504

(01 - 04 جدی 1404 هـ ش)

نگاهی به نشست تهران و عدم اشتراک امارت اسلامی در آن



این نشریه هفته‌وار، تحلیل رویدادهای مهم سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی افغانستان و منطقه است که به زبان‌های پشتو، دری، انگلیسی و عربی توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی تهیه و نشر می‌گردد.

آنچه درین شماره می خوانید:

- نگاهی به نشست تهران و عدم اشتراک امارت اسلامی در آن 3
- انگیزه های برگزاری نشست تهران 3
- چرایی عدم اشتراک امارت اسلامی در آن 5
- نتیجه گیری 7
- پیشنهادات 7
- منابع 8

نگاهی به نشست تهران و عدم اشتراک امارت اسلامی در آن

مقدمه

برای آنچه حل بحران افغانستان گفته می‌شود، فارمت‌ها، نشست‌ها و مکانیزم‌های زیادی در سطح منطقه و جهان تشکیل و برگزار شده است. در چند سال گذشته کشورها و سازمان‌های متعددی اقدام به ابتکار برگزاری نشست‌ها در قبال افغانستان کرده اند. گذشته از هر نیت دیگری، مهم‌ترین انگیزه کشورها و نهادهای مبتکر و برگزارکننده‌های یاد شده افزایش میزان تأثیرگذاری و نفوذ خود بر اوضاع افغانستان است. در این میان جدیداً ایران ابتکار عملی از خود نشان داده و نشستی را در سطح نماینده‌های کشورهای همسایه برای افغانستان در شهر تهران سازماندهی کرد. در این نشست از پاکستان در سطح نماینده خاص صدر اعظم، از کشورهای روسیه و ازبکستان در سطح نماینده‌های رئیس جمهور و از کشورهای چین، تاجکستان و ترکمنستان نماینده‌هایی در سطح وزارت‌های امور خارجه اشتراک کرده بودند.¹ در این نشست از امارت اسلامی هم دعوت شده بود اما وزارت خارجه امارت اسلامی یک روز قبل از برگزاری نشست اعلام کرد که در آن شرکت نمی‌کند.² پیرامون این نشست دو مسئله‌ی اساسی قابل طرح است: اول اینکه انگیزه‌های اصلی از برگزاری این نشست چه بوده و دیگر اینکه چرا امارت اسلامی در آن شرکت نکرد؟ پاسخ به این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگر را در این تحلیل به خوانش می‌گیرید.

انگیزه‌های برگزاری نشست تهران

ایران یکی از همسایه‌های افغانستان است که پس از روی کار آمدن دوباره امارت اسلامی تعاملات نزدیکی با امارت اسلامی ایجاد کرده است. به عبارت دیگر خروج امریکا از افغانستان و فروپاشی دولت مورد حمایت آن، فرصت بسیار خوبی برای ایران شد تا در غیاب امریکا در افغانستان حضور اقتصادی بهتری پیدا کند. همچنان تحریم‌های غربی بر امارت اسلامی و بروز مشکلات با پاکستان، ایران را به لحاظ اقتصادی در جایگاه خوبی در افغانستان قرار داد. بر این اساس اگر انگیزه‌های تهران از برگزاری چنین نشستی بررسی شود موارد زیر برجسته است:

نخست ایران با وجود داشتن تعاملات گسترده با امارت اسلامی، جدا از اینکه یک گرداننده باشد، همواره از میزهای سیاسی پیرامون افغانستان، در حاشیه قرار داشته است؛ مثلاً روسیه از طریق فارمت مسکو و دیگر ابتکارات خود توانسته نقش محوری در قضایای افغانستان داشته باشد. یا کشور چین هم مکانیزم‌های خاص خود را برای دخیل بودن در مسائل افغانستان دارد. در این میان ایران برخلاف حضور گسترده‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در افغانستان نقش کم‌رنگی در برگزاری نشست‌ها یا ایجاد فارمت‌های منطقه‌ای در قبال

قضایای منطقه‌ای افغانستان محور داشته است. بر این اساس مهم‌ترین موردی که تهران را تشویق به برگزاری چنین نشست‌هایی کرد، می‌تواند در راستای افزایش نقش‌آفرینی تهران در قضایای منطقه‌ای افغانستان باشد. حتی قبل از این ایران برای میانجیگری میان افغانستان و پاکستان هم ابراز تمایل کرده بود.

انگیزه دیگر ایران از برگزاری چنین نشست‌هایی، طرح موضوعات مورد علاقه ایران درباره افغانستان بود. ایران تنها همسایه افغانستان است که ضمن میزبانی از میلیون‌ها مهاجر که سال‌های پیش به آن کشور مهاجرت کرده بودند پس از تحول جدید که امارت اسلامی روی کار آمد، شاهد موج بزرگ دیگری از مهاجرین افغانستان بود. ایران برای اینکه بتواند از ناحیه میزبانی مهاجرین افغانستان امتیازگیری نماید موضوع مهاجرین افغانستان را به‌عنوان یک مسئله‌ی جمعی مطرح می‌کند. هرچند در اعلامیه پایانی این نشست، کشورهای منطقه بدون پذیرفتن کدام تعهدی برای خویش، از سازمان‌های بین‌المللی خواستند که زمینه بازگشت آبرومندانه مهاجرین را به افغانستان فراهم کنند.³

هدف دیگر تهران از برگزاری چنین نشست‌هایی می‌تواند این باشد که تهران با استفاده از میکانیزم منطقه‌ای فشار سیاسی بر امارت اسلامی وارد کند تا به موضوعات مورد علاقه تهران بیشتر پاسخگو باشد. به بیانی دیگر تهران که نمی‌خواهد به صورت مستقیم و رو در رو مسائل مورد علاقه‌ی خود را به امارت اسلامی منتقل کند، بهترین ابزار می‌توانست این نشست باشد. یا از بعد دیگر تهران قصد داشت برای امارت اسلامی نشان دهد که در صورت لزوم می‌تواند علیه امارت اسلامی، اجماعی در سطح منطقه شکل دهد. البته اینکه تا کدام حد کشورهای منطقه با مسائل ایران همسویی دارند، بحث دیگری است؛ زیرا با آنکه کشورهای منطقه در این نشست شرکت کرده و به مواضع ایران گوش فرا دادند اما هر کدام از کشورهای اشتراک‌کننده علایق خاص خود را در افغانستان داشته و بر اساس منافع خود با امارت اسلامی تعامل می‌کنند.

در نهایت، این ابتکار می‌تواند تلاشی از سوی ایران برای افزایش وزن جیوپولیتیک و تثبیت نقش آن به‌عنوان تنظیم‌کننده تحولات منطقه‌ای تلقی شود.

گذشته از هر مسئله‌ی دیگری، ایران در سطح منطقه یک بازیگر مطرح است، هرچند تحریم‌ها و فشارهای غرب و نزاع این کشور با اسرائیل بخش بزرگی از توانمندی ایران را مصروف ساخته و ضعیف کرده است. با آنکه ایران از توانایی بالایی برای تأثیرگذاری در سطح منطقه‌ای برخوردار است به‌خصوص با توجه به اختیارات ابزاری که این کشور در میدان بازی افغانستان دارد، نسبت به دیگر رقبا در موضع انفعالی‌تر قرار می‌گیرد. بنابراین تهران برای جبران این رخوت از طریق این نشست تلاش کرده است تا کانال ایرانی را نیز در خصوص قضایای افغانستان ایجاد کرده و نقش خود را در سطح منطقه‌ای به‌عنوان بازیگری که توانایی‌هایش اقتضا می‌کند، بازیابی کند.

چرایی عدم اشتراک امارت اسلامی در آن

چنانچه در مقدمه هم ذکر شد، ایران از امارت اسلامی برای فرستادن نماینده به نشست تهران دعوت کرد، اما احمد ضیا تکل رئیس اطلاعات و ارتباط عامه وزارت خارجه اعلان کرد که امارت اسلامی تصمیم گرفته تا در این نشست شرکت نکند. او درباره‌ی عدم اشتراک امارت اسلامی گفت که امارت اسلامی از طریق سازمان‌های منطقه‌ای، فارمتهای موجود و همچنان مکانیزمهای دوجانبه، به‌گونه‌ی مستمر روابط فعال با تمامی کشورهای منطقه دارد و در زمینه توسعه تفاهم و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، پیشرفت‌های عملی و قابل توجهی حاصل شده است. تکل، در ادامه توضیح داد که وزارت امور خارجه افغانستان باورمند است که تقویت فارمتهای موجود منطقه‌ای، راهکار مؤثرتر برای گسترش تفاهم، همکاری و همگرایی میان کشورهای منطقه به شمار می‌رود و امارت اسلامی همچنان به تعامل سازنده، همکاری متقابل و توسعه روابط منطقه‌ای در چارچوب سازوکارهای موجود متعهد بوده و این روند را ادامه خواهد داد.⁴ گذشته از این دلایل رسانه‌ای، در مورد اینکه چه عوامل بنیادین باعث عدم اشتراک امارت اسلامی در این نشست گردیده است، می‌توان به برخی از آن به گونه‌ی زیر اشاره کرد:

عدم موافقت با آجندای نشست: مهمترین دلیل این می‌تواند باشد که از فحوای اظهارات مقامات ایرانی و روحیه نشست برمی‌آید که نشست به هدف طرح موضوعاتی برگزار می‌شود که نشان‌دهنده‌ی وجود بحران در افغانستان است. به این معنا که از نظر ایران به‌عنوان کشور برگزارکننده‌ی این نشست، افغانستان هنوز هم برای منطقه منبع ناامنی و تهدیدی جدی حساب شده و کشورهای پیرامون افغانستان از طریق این نشست بتوانند طرح‌های خود را در خصوص رهایی از منابع ناامنی و تهدیدکننده‌ای که خاک افغانستان تولید می‌کند، ارائه کنند. طبیعتاً با چنین وضعی امارت اسلامی که همواره بر وجود صلح و ثبات در کشور اصرار ورزیده است، برخی از موضوعاتی که ممکن در نشست مطرح می‌شد را موضوع داخلی خود افغانستان دانسته و رسیدگی به آنها را در خارج از افغانستان مداخله در امور افغانستان تلقی می‌کند. بر این اساس امارت اسلامی با عدم اشتراک در نشست، اولاً خواست دیگران را متوجه سازد که تعریف کشورهای همسایه از افغانستان برای امارت اسلام به طور عموم قابل پذیرش نیست و ثانیاً اشتراک امارت اسلامی در چنین نشستی به معنای تأیید مواضع و تعریف دیگران از آنچه که وضعیت نامطلوب در افغانستان تلقی می‌شود، خواهد بود.

ابراز نارضایتی از رفتار دوگانه ایران: دلیل دوم می‌تواند این باشد که ایران در این اواخر به‌نحوی دست به بازی دوگانه در خصوص افغانستان زده است. ایران از یک طرف با میزبانی از مخالفین امارت اسلامی و اجازه فعالیت‌های انسجامی و سیاسی برای آنها در خاک خود به صورت غیر مستقیم خاک خود را در اختیار

مخالفین امارت اسلامی قرار داده و از طرف دیگر ادعای داشتن روابط دوستانه و نزدیک را با امارت اسلامی می‌کند. این رفتار دو پهلوی ایران که دلالت بر این دارد که تهران هم به نعل می‌کوبد و هم به میخ، احتمالاً باعث شده است که امارت اسلامی فاصله معینی را از لحاظ سیاسی با ایران حفظ کند و با عدم اشتراک در چنین نشست‌های تلویحاً پیام نارضایتی خود را از رفتار دوگانه ایران ابراز کرده باشد.

نشان دادن سیاست متعادل‌گرایانه : دلیل دیگر این است که کشورهای منطقه به‌خصوص ایران همواره از ادغام افغانستان در منطقه صحبت می‌کنند. هرچند به شکل واضح شاخص‌های «ادغام افغانستان در منطقه» روشن نیست، اما از بیانیه‌ها و مواضع مقامات ایرانی برمی‌آید که تهران در تلاش است تا افغانستان را در مدار آنچه از منطقه تعریف دارد قرار داده و از کشورهای غربی دور نگهدارد. یعنی اینکه افغانستان به صورت یک‌جانبه تمام روابط و تعاملات خود را در سطح منطقه نگهداشته و با غرب چنانچه ایران انتظار دارد، از در ستیز وارد شود. درست است که اکثر کشورهای غربی به‌علاوه ایالات متحده آمریکا تا کنون فاصله سیاسی خود را با امارت اسلامی دور نگهداشته‌اند، اما این مساله نمی‌تواند بدین معنا تعبیر شود که امارت اسلامی با آنها از در دشمنی و ستیز وارد شود. امارت اسلامی از بدو بازگشت مجدد به قدرت در افغانستان، اصل بی‌طرفی و توازن‌گرایی را در سیاست خارجی خود، شعار اصلی قرار داده و در عمل نیز به آن پایبند بوده است. براساس چنین پالیسی، امارت اسلامی تلاش دارد هم در سطح منطقه‌ای روابط خود را گسترش دهد و هم به کشورهای غربی القا کند که بر اساس این پالیسی، آنها می‌توانند دوباره وارد افغانستان شده و از طریق باز کردن سفارت‌خانه‌های خود به صورت رسمی و عینی منافع مشروع خود را در افغانستان دنبال کنند.

مدیریت ریسک بهره‌برداری پاکستان از این نشست: نشست منطقه‌ای در خصوص افغانستان درحالی برگزار می‌شود که سطح روابط امارت اسلامی با پاکستان در پایین‌ترین حد خود رسیده و فضای سرد و شکننده بر روابط دو کشور سایه افکنده است. هرچند وزیر خارجه ایران تصریح کرده بود که موضوع افغانستان و پاکستان در دستور کار نشست تهران نمی‌باشد، اما احتمال مواضع کشورها یا گفتگوهای حاشیه‌ای پیرامون موضوع افغانستان و پاکستان را منتفی نکرده بود. از این منظر عدم اشتراک امارت اسلامی در نشست تهران می‌تواند نشانه‌دهنده ترجیح کابل برای دوری از مجامعی باشد که حضور نماینده پاکستان، امکان قاب‌بندی روایت‌ها، طرح صریح مطالبات و بسیج حمایت‌های طرف ثالث را برای اسلام‌آباد فراهم می‌کند. به بیان دیگر، امارت اسلامی می‌کوشد خود را در موقعیتی قرار ندهد که پاکستان از بستر نشست به‌صورت ابزاری بهره‌برداری کرده و هزینه‌های سیاسی یا امتیازات مورد نظر را در حضور نماینده افغانستان تثبیت کند؛ رویکردی که هدف آن مدیریت ریسک و جلوگیری از انتقال فشار به میدان دیپلماسی علنی است.

نتیجه گیری

نشست تهران را می توان تلاش این کشور برای قرار گرفتن به عنوان یکی از مراجع دیپلوماسی برای مسائل و قضایای افغانستان ارزیابی کرد. ایران که از سال ها بدین سو در انزوا و فشارهای مهلک غرب قرار دارد از طریق چنین ابتکاری در پی آن است تا ثابت کند که هنوز از توانایی خروج از انزوا برخوردار بوده و بر قضایای منطقه ای تأثیر دارد. چنانچه انتظار نمی رفت اصلی ترین عنصر در این نشست که امارت اسلامی بود، علی رغم دعوت ایران، حضور نداشته باشد. چنانچه وزارت خارجه امارت اسلامی عدم اشتراک خود در این نشست را اعلان کرد. حال آنکه غیبت امارت اسلامی در این نشست منطقه ای می تواند کارکرد آن را زیر سؤال ببرد و آشکار سازد که ایران در واقع با عدم حضور امارت اسلامی مواجه شده است؛ امری که نشان می دهد سیاست خارجی امارت اسلامی بر اصولی استوار است که در آن حیثیت افغانستان به عنوان کشوری دارای حاکمیت مسئول، همانند دیگر کشورها، باید حفظ گردد. همچنان عدم اشتراک امارت اسلامی نشان داد که افغانستان دیگر تابع تعریف کشورهای منطقه از اوضاع افغانستان نبوده و در نشست هایی که به منظور تعریف کردن افغانستان به عنوان یک مساله است، حضور نخواهد داشت. همچنان امارت اسلامی از عدم حضور خود در نشست تهران نشان داد که نگاه مطلوب به سیاست هایی ندارد که افغانستان را محصور در منطقه کرده، مقید بسازد که نوع نگاه خود به غرب را از زاویه منطقه به خصوص کشورهای مشکل دار با غرب ببیند. با وجود این، عدم اشتراک امارت اسلامی در نشست تهران هزینه هایی را نیز به همراه دارد:

اولاً؛ امارت اسلامی می تواند با اشتراک در نشست مواضع خود را صریحاً و مستقیماً مطرح کرده و مواضع و سیاست های خود را در خصوص برداشت های موجود در سطح منطقه شفاف سازی کند؛

ثانیاً؛ امارت اسلامی با عدم اشتراک در این نشست میدان را به کشور رقیب یعنی پاکستان خالی گذاشت که چنانچه نماینده سابق پاکستان در امور افغانستان در حمله لفظی خود عدم اشتراک امارت اسلامی در نشست تهران را «عدم بلوغیت سیاسی» امارت اسلامی تعبیر کرد؛

ثالثاً؛ ایران که در حال حاضر شریک اقتصادی بزرگی برای افغانستان است و با مسدود بودن مسیرهای ترانزیتی با پاکستان، بدیلی مناسب دانسته می شود، در رویکرد خود در قبال امارت اسلامی به فکر تجدید نظر شود چون عدم اشتراک امارت اسلامی در نشست تهران می تواند گمانه ها و تصورات منفی زیادی را در افکار ایرانی ها به وجود بیاورد.

پیشنهادهات

با توجه به بررسی انجام شده در این مقاله پیشنهادات ذیل قابل ارائه است:

1. کشورهای منطقه در برداشت خود از افغانستان تجدید نظر کرده و دیگر افغانستان را به عنوان منبع ناامنی و تهدید تلقی نکنند؛
2. کشورهای منطقه به جای برگزاری نشست‌های صرفاً امنیتی محور، ابتکاراتی را روی دست گیرند که موجب توسعه روابط اقتصادی آنها با افغانستان شود؛
3. با اینکه عدم اشتراک امارت اسلامی در نشست تهران اقدام سنجیده شده تلقی می‌شود، اما بهتر است امارت اسلامی چنین فرصت‌هایی را از دست نداده و با حضور در چنین نشست‌هایی، از آن به عنوان ابزار تبلیغاتی استفاده کند؛
4. امارت اسلامی می‌تواند از طریق دیپلوماسی فعال و چندجانبه زمینه‌ی برگزاری چنین نشست‌هایی را که افغانستان را منبع ناامنی و بحران‌زا در سطح منطقه معرفی می‌کند، جلوگیری نماید.

منابع

1. شرکت کنندگان نشست تهران از حکومت طالبان و پاکستان خواستند به میز مذاکره برگردند. بی‌بی‌سی فارسی، تاریخ نشر ۱۵ دسمبر ۲۰۲۵، [قایل دسترسی](#)؛
2. امارت اسلامی می‌گوید در نشست تهران درباره افغانستان اشتراک نمی‌کند. آریانا نیوز. تاریخ نشر، ۲۲ قوس ۱۴۰۴، [قایل دسترسی](#)؛
3. جزئیات موارد مورد توافق در نشست نمایندگان ویژه کشورهای همسایه افغانستان. خبرگزاری ایرنا، تاریخ نشر ۱۴۰۴/۹/۲۴، [قایل دسترسی](#)؛
4. ا.ا. در نشست نمایندگان ویژه کشورهای منطقه در تهران شرکت نمی‌کند. آژانس خبری افغان، تاریخ نشر ۱۴۰۴/۹/۲۳، [قایل دسترسی](#)؛

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی یک نهاد مطالعاتی غیردولتی و غیرانتفاعی می‌باشد که در سال ۱۳۸۸ خورشیدی در شهر کابل بنیان نهاده شده است. این مرکز از طریق پژوهش‌های دقیق و بی‌طرفانه خویش به منظور ارزیابی و غنای پالیسی‌ها در افغانستان و منطقه فعالیت می‌کند.

ارتباط با ما:

ایمیل: info@csrsaf.org

وب سایت: www.csrsaf.org



+93780618000

تماس: +۹۳۷۸۰۶۱۸۰۰۰



www.csrsaf.org



info@csrsaf.org